

اللَّهُمَّ ارحم الراحمين



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

عنوان:

بررسی مکتب حدیثی بصره تا پایان سده پنجم هجری

استاد راهنما:

دکتر محمد تقی دیاری

استاد مشاور:

دکتر محمد کاظم رحمان ستایش

نگارنده:

ابراهیم محبی

۱۳۸۸/۱۰/۱

کتابخانه و اسناد مرکز علمی پژوهشی
تاسیس ۱۳۸۸

تأیید شده ۱۳۸۸

۱۲۸۲۸۳



تاریخ: شماره: ۱۳۹۷/۰۷/۲۸

پیوست:

صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

با تاییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عجل... تعالی فرجه الشریف) جلسه دفاعیه پایان نامه

آقای: محبی کرکرق ابراهیم

به شماره دانشجویی: ۸۵۱۳۲۰۱۰۱۲

رشته: علوم قرآن و حدیث

تحت عنوان: بررسی مکتب حدیثی بصره تا پایان سده پنجم هجری

با حضور هیات داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ ۸۸/۰۷/۲۸ تشکیل گردید.

در این جلسه پایان نامه مذکور با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت و نامبرده نمره با عدد ۱۹

نصره به حروف **نوزدهم** را با درجه **عالی** دریافت نمود.

نام خانوادگی و نام	سمت	رشته تخصصی	امضاء
دیاری محمد تقی	استاد راهنما	دانشیار	
رحمان ستایش محمد کاظم	استاد مشاور	استادیار	
مودب سید رضا	استاد ناظر	استاد	
اعرابی غلامحسین	استاد ناظر	استادیار	
ناصر علی احمد	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی	استادیار	

مدیر امور آموزش و تحصیلات تکمیلی
ناجی امضاء

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده
نام و امضاء

جاده قدیم اصفهان،

دانشگاه قم

پستی: ۳۷۱۶۱۴۶۶۱۱

تلفن: ۲۸۵۳۳۱۱

دورنویس:

ت آموزش ۲۸۵۵۶۸۴

ت اداری ۲۸۵۵۶۸۶

ت دانشجویی ۲۸۵۵۶۸۸

تشکر و قدردانی:

سپاس و ستایش بی کران، خدای بزرگ را و تحیت و درود بی پایان بر آخرین پیام آور وحی الهی و خاندان مطهرش.

بر خود لازم می‌دانم که نهایت تقدیر و تشکر را داشته باشم از:

استاد بزرگوار جناب آقای دکتر محمد تعی دیاری که با راهنمایی‌های سودمندش مرا را در نگارش این پژوهش یاری رساندند.

استاد عزیز جناب آقای دکتر محمد کاظم رحمان ستایش که با راهنمایی‌های دلسوزانه و مشفقانه خویش مرا در به ثمر نشستن این پژوهش همراهی نمودند.

برادر بزرگوار جناب آقای امین حسین پوری که با رهنمودهای خویش یاریگر ما در بسامان رساندن این نگاشته بود.

همسر عزیزم که با صبر و حوصله ممد ما در طول نگارش این پژوهش بودند.

تقدیم به:

خاکپای مادر مظلومیت، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

چکیده

شناخت و بررسی مکاتب حدیثی شیعه از جمله مباحث مهم دانش تاریخ حدیث است. در میان این مکاتب حدیثی، بصره مرکز تضارب اندیشه‌ها و پیدایش نحله‌های مختلف بوده است. شناخت چگونگی فعالیت راویان شیعی در آن و بررسی ابعاد گوناگون این فعالیتها و نیز شناخت صبغه حدیثی غالب در این منطقه، کمک شایانی در روشن شدن ابعادی از تاریخ حدیث شیعه در این شهر و تاثیر پذیری این مکتب از دیگر مکاتب حدیثی شیعه و اثر گذاری آن بر دیگر حوزه‌های حدیثی خواهد کرد.

شیعیان بصره از همان دوران آغازین بنای بصره در این شهر حضور داشتند، ولی به دلیل گرایش بیشتر مردم بصره به مذهب تسنن که ریشه در عوامل تاریخی مانند جنگ جمل و خونخواهی عثمان داشت تا پایان حکومت اموی بیشتر تحت فشارهای سیاسی و غیره بوده و فعالیت حدیثی مسنجمی نداشتند.

در دوره امام صادق علیه السلام با انقراض حکومت اموی و با اوج گیری فعالیت مکتب حدیثی کوفه و ازدیاد رفت و آمد راویان کوفی به بصره، در نهایت، مکتب حدیثی بصره، با اثر پذیری از کوفه، شکل می‌گیرد. به دلیل موقعیت خاص دوره امام صادق علیه السلام تعداد راویان بصره در آن دوره، افزایش چشمگیری پیدا می‌کند. حضور سه تن از اصحاب اجماع (فضیل بن یسار، ابان بن عثمان و حماد بن عیسی) در بصره، توجه خاص به نقل روایات فقهی و تالیفات فقهی از بارزترین مشخصه‌های این مکتب در این دوره به شمار می‌رود.

بعد از دوره امام صادق علیه السلام با گسترش فعالیت حدیثی راویان شیعه بصره و تعامل روز افزون راویان کوفه و بصره به تدریج فعالیت آنان از حوزه فقهی، وارد حوزه‌های غیرفقهی می‌شود. و به تدریج در قرن سوم فعالیت حدیثی آنان در زمینه تاریخ و ادبیات به اوج خود می‌رسد. اما از قرن چهارم به بعد با ظهور و رشد مکتب ری و بغداد و تمرکز فعالیت شیعیان در آن دو حوزه مکتب حدیثی بصره افول پیدا می‌کند.

بر اساس گزارش‌های رجالی، از میان ۲۱۸ راوی گزارش شده در حوزه بصره، ۶۴ راوی، صاحب تالیف بودند که نگارش‌های آنان، بیشتر به فقه، تاریخ و ادبیات و کمتر به کلام، علوم قرآن و تفسیر و علوم حدیث مربوط می‌شود.

کوفه به دلیل نزدیکی به بصره بیشترین تأثیر را بر مکتب بصره گذاشته است. از سوی دیگر با توجه به اهتمام فراوان شیخ کلینی و شیخ صدوق به نقل روایات راویان بصری و در اختیار داشتن برخی تالیفات آنان به جرأت می‌توان گفت که در میان حوزه‌های حدیثی دیگر، حوزه ری بیشترین اثر پذیری را از مکتب حدیثی بصره داشته است.

فراوانی روایات فقهی، گرایش خاص به نقل روایات معرفتی، اهتمام به ادبیات و تاریخ نگاری از جمله ویژگی‌های شاخص این مکتب حدیثی به‌شمار می‌رود. این ویژگی‌های با قوت و ضعف در دوره‌های مختلف حیات این مکتب دیده می‌شود. کلید واژه: مکتب حدیثی، بصره، حدیث، راویان شیعی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
فصل اول: نگاهی به جایگاه تاریخی - فرهنگی بصره تا پایان قرن پنجم هجری	۷
۱- پیشینه بصره، قبل و بعد از اسلام	۹
۲- وضعیت اجتماعی	۱۱
۳- موقعیت سیاسی	۱۳
۴- جایگاه علمی و فرهنگی	۱۵
۱- ۴- ادبیات	۱۵
۲- ۴- فقه	۱۷
۳- ۴- قرائت	۱۹
۴- ۴- تفسیر	۲۱
۵- ۴- تصوف	۲۲
۶- ۴- کلام	۲۳
مذاهب و اندیشه های کلامی بصره	۲۵
۱- شیعه	۲۵
۲- خوارج	۳۰
۳- قدریه	۳۰
۴- مرجئه	۳۲

۳۳..... ۵- معتزله

۳۴..... ۶- اشاعره

۳۶..... فصل دوم: **راویان شیعی بصره از آغاز تا پایان دوره امام باقر علیه السلام**

۳۸..... راویان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۴۳..... راویان از امام علی علیه السلام

۴۹..... راوی از امام حسن علیه السلام

۵۳..... راویان از امام حسین علیه السلام

۵۵..... راویان از امام سجاد علیه السلام

۵۸..... راویان از امام باقر علیه السلام

۷۵..... فعالیتهای حدیثی شیعیان بصره تا پایان دوره امام باقر علیه السلام

۷۸..... فصل سوم: **راویان شیعی بصره در دوره امام صادق علیه السلام**

۷۹..... راویان شیعی از امام صادق علیه السلام

۷۹..... راویان دسته اول

۱۴۳..... راویان دسته سوم

۱۵۴..... راویان دسته چهارم

۱۶۵..... فعالیت حدیثی راویان شیعی بصره در دوره امام صادق علیه السلام

۱۶۷..... فصل چهارم: **راویان شیعی بصره (از دوره امام کاظم علیه السلام تا آغاز غیبت کبری)**

۱۶۸..... راویان از اصحاب امام کاظم علیه السلام

۱۸۷..... راویان از اصحاب امام رضا علیه السلام

۱۹۵.....	راویان از امام جواد <small>علیه السلام</small>
۱۹۹.....	راویان از امام هادی <small>علیه السلام</small>
۲۰۲.....	راویان از امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۲۰۵.....	راویان از امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۰۵.....	فعالیت حدیثی شیعیان بصره از دوره امام کاظم <small>علیه السلام</small> تا آغاز غیبت کبری
۲۰۹.....	فصل پنجم: راویان بصری با واسطه از معصومان <small>علیهم السلام</small> تا پایان قرن پنجم هجری
۲۱۰.....	راویان دسته اول
۲۴۸.....	راویان دسته دوم
۲۵۳.....	راویان دسته سوم
۲۵۶.....	راویان دسته چهارم
۲۵۸.....	فعالیت حدیثی راویان بصری با واسطه از معصوم <small>علیه السلام</small> تا پایان قرن پنجم هجری
۲۶۱.....	فصل ششم: تحلیل و ارزیابی مکتب حدیثی شیعه بصره
۲۶۲.....	۱-۶- نگاه‌های گذرا به شکل‌گیری و تطور مکتب حدیثی شیعی بصره
۲۶۴.....	۲-۶- ویژگی‌های مکتب حدیثی شیعی بصره
۲۷۲.....	۳-۶- وضعیت راویان بصره از لحاظ توثیق و تضعیف
۲۷۷.....	۴-۶- تاثیر و تاثر مکتب حدیثی بصره از دیگر حوزه‌های حدیثی
۲۸۲.....	خاتمه: فتایح و پیشنه‌ها
۲۸۷.....	منابع

چکیده انگلیسی

مقدمه

درآمد

پژوهش درباره مکاتب حدیثی یکی از شاخه های نوین در پژوهش های حدیثی است؛ مکتب شناسی حدیث زیر مجموعه یکی از شاخه های علوم حدیث به نام تاریخ حدیث می باشد. به عبارت دیگر بررسی حوزه ها و مکاتب حدیثی به مفهوم بررسی کردن و پی بردن به بخشی از تاریخ حدیث است؛ چرا که تاریخ حدیث زیرمجموعه های زیادی دارد که حوزه ها و مکاتب بخشی از آن است و مکتب شناس حدیث در پی بازشناسی جریان های فکری درباره حدیث است. راجع به بصره که یکی از مکاتب حدیثی مهم شیعه بوده است، کمتر پژوهش صورت گرفته است؛ شهر بصره مرکز تضارب آحادیسه ها و پیدایش نحل مختلف بوده است و بررسی و شناخت چگونگی شکل گیری حدیث پژوهی و داد و ستد روایی در بصره و بررسی نقاط ضعف و قوت آن و نیز شناخت صبغه حدیثی غالب در این منطقه و چگونگی تعامل راویان این شهر با دسته های مختلف روایات کمک شایانی در روشن شدن ابعادی از تاریخ حدیث شیعه در این شهر خواهد کرد. لازم است این نکته گوشزد شود که در پژوهش حاضر که «بررسی مکتب حدیثی بصره تا پایان سد ۵ پنجم هجری» می پردازد، هدف ما بررسی مکتب حدیثی شیعی بصره است.^۱

در اینجا پیش از ورود به مباحث اصلی شایسته است که مقدماً تعریفی از مکتب حدیثی و چند و چون آن داشته باشیم.

مکتب حدیثی

«مکتب» از ریشه «کتب» در لغت به معنای جایگاه تعلیم نوشتن یا جایگاه تعلیم^۲ است.

۱. از این رو اگر در بین راویان شیعی نامی از راویان سنی به میان آید بدین خاطر است که نامشان در کتب رجالی شیعه آمده است.
۲. فخر الدین الطریحی، مجمع البحرین، تحقیق السید أحمد الحمینی (بی جا): مکتب النشر الثقافة الإسلامية، الطبعة الثانية، ۱۴۰۸/۱۳۶۷ ش)، ج ۴، ص ۱۸؛ الزبیدی، تهج العروس، تحقیق علی شیری (بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۹۹۴/۱۴۱۴ م)، ج ۱، ص ۴۴۵.

در باره معنای اصطلاحی آن تعریف‌هایی گوناگونی ارائه کرده‌اند از جمله:

۱. «مجموع اندیشه‌ها و افکار یک استاد که در جمعی نفوذ یافته باشد، یا یک نظر فلسفی و ادبی و جز اینها و همچنین مجموع هنرمندان یک ملت یا یک شهر با علاقه خاصی که در اجرا و بیان هنر دارند؛ مانند مکتب پاریس و...»^۱.

۲. «مجموع عقاید و آرای مورد قبول گروهی با شیوه خاصی از تفکر»^۲.

۳ «مکتب عبارت است از مجموعه نظرات منسجم و جامعی که در طریق رفع نیاز جامعه‌ای تدوین یافته و قابل پیاده کردن و اجرا باشد»^۳.

با توجه به این تعریف‌ها می‌توان گفت: مراد از مکتب این است که فرد یا افرادی (استاد) اندیشه خاصی را مطرح نموده سپس توسط افرادی با یک انسجام و سازماندهی که جهت‌گیری ویژه‌ای دارد، دنبال شود و به گونه‌ای است که از دیگر اندیشه‌ها مستقل و متفاوت است.

بنابراین، مراد از «مکتب حدیثی» گونه اندیشه‌هایی یا مبانی تقریباً همسو در حوزه علوم حدیث - مستقل و متفاوت با دیگر اندیشه‌های حدیثی - که توسط عالمان حدیث سامان یافته است و این دانشمندان بیشتر در یک شهر زندگی می‌کرده‌اند.

معادل واژه «مکتب» در کاربرد زبان عربی، واژه «المدرسة» است.

عوامل و پایه‌های تشکیل دهنده مکتب

با توجه به تعریفی که ارائه شد، عوامل و پایه‌های تشکیل دهنده یک مکتب عبارتند از:

۱. مؤسس و پایه‌گذار یک مکتب، اعم از اینکه یک فرد و یا بیشتر باشد؛ آنچه مهم است این است که مؤسس باید بتواند همراهی دیگر اعضا را با خود داشته باشد.

۲. پیروان و شاگردان که به نشر و تقویت اندیشه‌های مکتب می‌پردازند. بدون وجود شاگردان مکتبی تاسیس

نمی‌شود. ۳. داشتن اندیشه‌های یکسان بین اعضای یک مکتب.

۱- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی (تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳)، ج ۱۳، ص ۱۸۸۵.

۲- حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن (تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۱)، ج ۷، ص ۷۲۸۸.

۳- علی قائمی، روش تحقیق با تاکید بر مکتب شناسی (تهران: انتشارات امیری، ۱۳۷۲)، ص ۶۷.

۴. کارهای علمی فراوانی در مکتبها صورت می‌گیرد که تالیف کتب از جمله این کارهای علمی است که با توجه به این نگاه، می‌توان به اندیشه‌های یک مکتب دست یافت.

۵. مکتب در یک شهر صتمرکز است و اعضای (دانشمندان) آن در آن شهر به پژوهش و نگارش می‌پردازند. البته ملاک انتساب فردی به یک مکتب پیروی از مبانی یا مبانی فکری آن مکتب است و چه بسا مدتی در شهری دیگر زندگی کند؛ مثلاً شیخ صدوق که از جمله پیروان مکتب حدیثی قم است، سالها در بیرون از قم زندگی نموده و در ری در گذشته است.

۶. استقبال و پذیرش شهر و محیطی که مکتب در آن تشکیل شده، نیز یکی از عوامل تشکیل یک مکتب است؛ زیرا در صورت عدم پذیرش هر مقدار که اندیشه‌های اعضا پر مایه باشد، آن مکتب دوام نیاورده و محو و نابود خواهد شد. برای دستیابی به یک مکتب راه آغاز با شناسایی موسس و اعضای پر نفوذ آن است که پس از شناسایی با جمع آوری گفته‌ها و آثار آنان میتوان به اندیشه‌های مکتب دست یافت و با چینه افکار مشترک در کنار هم می‌توان به ایدئولوژی مکتب رسید. البته بررسی موقعیت‌های مکان تشکیل مکتب دریافتن ویژگی‌های آن دارای اهمیت فراوانی است.

ضرورت تحقیق

شناخت مبانی فکری یک مرکز حدیثی، کمک قابل توجهی به تبیین تاریخ تحولات حدیث، شناخت دقیق‌تر راویان آن منطقه و شیوه‌های ارزیابی و رد و قبول احادیث در آن مکتب خواهد کرد.

بگویم بستانم

سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق

سؤال اصلی

۱. مکتب حدیثی بصره چه جایگاه و نقشی در تاریخ حدیث شیعه داشته است؟

سؤال‌های فرعی

۲. مهم‌ترین ویژگی‌ها و وجه تمایز مکتب حدیثی بصره نسبت به دیگر مکاتب حدیثی چیست؟

۳. مهم‌ترین محدثان مکتب حدیثی بصره چه کسانی هستند و چه آثاری پدید آورده‌اند؟

۴. تاثیر و تاثر مکتب حدیثی بصره با دیگر حوزه‌های حدیثی چگونه بوده است؟

۱. (فرضیه اصلی) نقشی مکتب حدیثی بصره در شیعه از دو جهت قابل بررسی است: یکی از جهت موضع‌گیری علمای شیعه در مقابل دیدگاه‌های کلامی خاص معتزلیان بصره و دیگری از بعد رقابتی و کشمکش‌های بین مکتب بصره با مکتب کوفه وجود داشته است بویژه در حوزه اعتقادات.
۲. به نظر می‌رسد از مهمترین ویژگی‌های مکتب حدیثی بصره، یکی توجه به تاریخ‌نگاری بوده است و دیگری وجود روایت‌های فراوان ملاحم و فتن از روایان این مکتب است و همچنین می‌توان به تقابل این مکتب با دیدگاه‌های معتزله اشاره کرد.
۳. از مهمترین روایات این مکتب می‌توان؛ عبد‌العزیز بن یحیی الجلودی و محمد بن زکریا بن دینار را نام برد که تالیف زیادی در مورد تاریخ داشته‌اند و آثار بر جای مانده از آنها بیشتر توجه فراوان به تاریخ بوده است.
۴. چنین بر می‌آید که نگاه‌های دانشوران بصره در حوزه‌های مختلف مانند ری و بغداد مورد استفاده بوده است.

پیشینه تحقیق

مکتب‌شناسی در گستره شیعه بر خلاف اهل سنت جریانی نوپاست. تا کنون درباره چند مکتب حدیثی در شیعه چند کتاب و پایان نامه نگارش شده است؛

مکتب حدیثی قم: شناخت و تحلیل مکتب حدیثی قم از آغاز تا قرن پنجم هجری، محمدرضا جباری.

مکتب حدیثی حله، امین حسین پوری، در دست چاپ.

مکتب حدیثی شیعی کوفه از آغاز تا پایان قرن سوم هجری، سعید شفیعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما محمد علی مهدوی راد.

بررسی و شناخت مکاتب حدیثی شیعه (ری و بغداد) تا پایان قرن پنجم هجری، زهره نریمانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما محمد تقی دیاری.

ولی درباره مکتب حدیثی شیعی بصره تحقیقی صورت نگرفته است، تنها یک کتاب به نام «مدرسة الحدیث فی البصره حتی القرن الثالث الهجری» توسط امین القضاة تدوین شده است. که رساله دکتری مولف بوده و تنها به مکتب حدیثی سنی بصره پرداخته است و در آن از روایان شیعی ذکری نشده است.

در زمینه بصره و تاریخ تشیع آن آقای نزار المنصوری کتابی به نام *النصرة لشيعة البصرة* دارد که شامل دو بخش است بخش اول با عنوان «تاریخ التشیع فی البصرة» به تاریخ تشیع در بصره پرداخته است و در بخش دوم با عنوان «اعیان الشيعة فی البصرة» به شرح حال مختصر رجالی بصریون شیعی از اصحاب پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام و کسانی که از ائمه روایت ندارند پرداخته است.

اهداف تحقیق

۱. بررسی و شناخت چگونگی تشکیل مکتب حدیثی در بصره.
۲. شناخت راویان و محدثان و نیز آثار حدیثی نگاشته شده در این منطقه و بررسی شناخت نقاط قوت و ضعف این مکتب.
۳. بررسی و ارزیابی نگاه عالمان بصره به حدیث و شیوه پذیرش آن‌ها.

روش و مراحل تحقیق

اولین گام اصلی در شناخت مکتب حدیثی یک حوزه، شناخت راویان آن حوزه است؛ لذا در همین راستا راویان بصری از کتب رجال استخراج شده و برای داشتن یک نظم خاص، رجال شیخ طوسی و معجم رجال الحدیث آقای خویی ملاک اصلی قرار داده شد؛ و برای تکمیل کار مستدرکات علم الرجال آقای نمازی برای ذکر راویانی که در دو منبع پیشین یاد نشده بودند مورد ملاحظه واقع شد.

سپس راویان استخراج شده بر اساس طبقات مرتب گردید؛ در این میان برخی راویان جزو دو یا چند طبقه قرار می‌گرفتند که به دلیل رعایت اختصار از تکرار آنان خودداری شد و با توجه به روایات وی و قرائن دیگر در هر طبقه‌ای که بیشتر فعالیت داشتند، ذکر شد بجز در مورد ابان بن ابی عیاش که وی در طبقه امام حسن علیه السلام ذکر شد، چون تنها راوی امام حسن علیه السلام بود و همچنین در مورد راویان دیگر که روایت نداشتند، اگر در چند طبقه ذکر شده بودند در اولین طبقه‌ای که نامشان آمده بود، قرار داده شد؛ البته در ذیل هر راوی بطور دقیق بیان شده است که راوی کدامیک از امامان علیهم السلام بوده است.

در مرحله بعد گزارش شرح راویان آمده است؛ در این باره بیشتر از کتب رجالی شیعه بهره برده‌ایم. اما در مواقعی که نکته خاصی راجع به راوی در منابع اهل سنت بود، در حد ضرورت بدان اشاره شده است.

در ادامه روایات راویان از کتب حدیثی استخراج گردید و برای انسجام کار کتب اربعه ملاک قرار داده شد و با استفاده از نرم افزار داریه النور تعداد روایت راویان در کتب اربعه^۱، عنوان‌های بکار رفته یک راوی در روایات، اساتید و شاگردان یک راوی ثبت شد؛ آنگاه با استفاده از این اطلاعات با کمک نرم افزار جامع الاحادیث، روایات هر راوی جمع آوری گردید. از آنجا که بخاطر حجم زیاد روایات ذکر تمامی آنها مقدور نبود، تنها به ارائه نشانی آنها اکتفا شد؛ در این میان چون برخی راویان روایاتشان در کتب اربعه خیلی کم بود و یا اصلاً روایات نداشتند، لذا در خصوص این موارد دامنه گسترش یافته و دو کتاب *مسائل الشیعه* و *بحار الأنوار* به دامنه جستجو افزوده گردید و در ذکر روایات راوی از این دو منبع تا حدودی سعی شد که روایات تکراری حذف گردد، البته برخی راویان هم که در این دو منبع نیز روایات نداشتند و تنها تک روایتی در دیگر منابع داشتند، در حد توان به آنها هم اشاره شده است. سپس روایات هر راوی موضوع بندی شده و با کمک این روایات صیغه غالب روایی و صیغه غالب شخصیت هر راوی بیان شده است.

منابع تحقیق

بیشتر منابع استفاده شده در این پژوهش کتب رجالی، تاریخی و نیز کتب حدیثی است که با مطالعه و جستجو در میان آنها به مطالب مورد نیاز خود دسترسی پیدا نمودیم.

سازماندهی پژوهش

پژوهش حاضر در یک مقدمه و ۶ فصل و یک خاتمه سامان یافته است؛ در فصل اول نگاهی گذرا به موقعیت تاریخی و فرهنگی بصره در قرون اولیه شده است. از فصل دوم تا فصل پنجم به معرفی راویان شیعی بصره و تحلیل روایات آنها پرداخته‌ایم؛ بدین ترتیب که در فصل دوم به معرفی راویان شیعی بصره از آغاز تا پایان دوره امام باقر علیه السلام؛ فصل سوم معرفی راویان شیعی در دوره امام صادق علیه السلام؛ فصل چهارم معرفی راویان شیعی از دوره امام کاظم علیه السلام تا پایان غیبت صغری و در فصل پنجم به معرفی راویان شیعی بصره از آغاز غیبت کبری تا پایان قرن پنجم هجری پرداخته‌ایم؛ فصل ششم، اختصاص به تحلیل و ارزیابی کلی از مکتب حدیثی با توجه به فصل‌های پیشین یافته است و در خاتمه نتایج و پیشنهادات مطرح گردیده است.

۱. لازم بذکر است که آمار ارائه شده در داریه النور بیانگر تعداد استاد روایت است نه خود روایت اما ما تسامحا برای روایت بکار برده‌ایم.

فصل اول

نگاهی به جایگاه تاریخی - فرهنگی بصره تا پایان قرن پنجم هجری

- پیشینه بصره قبل و بعد از اسلام
- وضعیت اجتماعی
- موقعیت سیاسی
- جایگاه علمی و فرهنگی
- مذاهب و اندیشه های کلامی بصره

پر واضح است که بازشناسی اندیشه‌ها و باورهای هر مکتب حدیثی، نیاز ضروری به بررسی و شناسایی موقعیت‌های مختلف مکانی و زمانی (تاریخی و جغرافیایی) شکل‌گیری آن مکتب دارد. نظر به اهمیت این بحث بر آن شدیم تا به گونه‌ای تفصیلی جایگاه بصره را از آغاز تأسیس تا پایان قرن پنجم هجری بررسی کنیم. پیش از هر چیز، نخست لازم است اندکی درباره‌ی وجه تسمیه بصره مطالبی گفته شود.

وجه تسمیه بصره

بصره، عنوانی برای دو شهر است؛ یکی در مغرب و دیگری در عراق که دارای وسعت بیشتری است.^۱ موضوع بحث ما بصره عراق است که در ۲۴۰ کیلومتری جنوب شرقی بغداد واقع شده است.

بیرامون واژه بصره و وجه تسمیه آن میان منابع کهن اختلاف است؛ در *لسان العرب* اینگونه بیان شده که واژه «بصره» در زبان عربی به سنگ سستی گفته می‌شود که در آن، لکه‌های سفید به چشم می‌خورد، همچنین بر زمین سفت و سخت هم اطلاق می‌شود.^۲ همچنین گفته شده ما بین سرزمین عقیق و سرزمین مربد، سنگ‌های سستی بود که بصره نامیده شد که سستی اکثر زمین‌های آن مکان، دلیل این نامگذاری است.^۳ در مقابل عده‌ای قائل هستند که هنگام ورود مسلمانان به بصره، از دور، چشمشان به ریگزارهای آن سرزمین افتاد، گفتند: «این

۱. شهاب‌الدین ابی عبد الله یاقوت بن عبد الله حموی بغدادی، *معجم البلدان* (بیروت- لبنان: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۹۹)، ج ۱، ص ۴۳۰.

۲. ابن منظور، *لسان العرب* (قم: نشر أدب الحوزة، ۱۴۰۵)، ج ۴، ص ۶۷.

۳. البکری الأندلسی، *معجم ما استعجم من أسماء البلاد و المواضع*، تحقیق مصطفی السقا (بیروت: عالم الکتب، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۳)، ج ۱، ص ۲۵۴.

سرزمین، بصره است» و این نام بر روی آن شهر باقی ماند.^۱ البته نظرات دیگری نیز پیرامون لغت و وجه تسمیه این شهر مطرح است که جهت اطلاع از آن ها می‌توان به کتب لغت مراجعه نمود.

۱- پیشینه بصره، قبل و بعد از اسلام

۱-۱- بصره قبل از اسلام

پیرامون سرزمین بصره و خصوصیات آن قبل از اسلام، اطلاعات بسیار اندکی وجود دارد. در منابع تاریخی عناوین متعددی برای این منطقه ذکر شده است.

در زمان کلدانیان این منطقه دارای نام‌هایی چون؛ تدمر و تروم و ترون بود. این نام‌ها برگرفته از زبان آرامی است که کلدانیان بر این منطقه نهادند.^۲

همچنین در کلام حضرت امیرالمومنین علیه السلام در مقام نکوهش و ذم اهل بصره بعد از جنگ جمل، اینگونه آمده است: «یا أهل البصرة! یا أهل السبخة! یا أهل الموثفكة اتفکت بأهلها ثلاثا وعلى الله الرابعة»^۳ کلمه «موثفكة» به معنای منقلب و «دگرگون شده» و نامی از نامهای بصره است. برخی مفسران^۴ در تفسیر آیه ۵۳ سوره نجم ﴿والموثفكة أهوی﴾ پنداشته‌اند که مقصود از این آیه، شهر بصره است. بعد از حمله عجم به عراق به دلیل نبود دولتی مستقل و تاخت و تاز قارس‌ها و دولت روم، خرابی کامل بر شهر استیلا یافت؛ از این رو نام این شهر را «الموثفکه» نهادند.^۵

همچنین امیرالمومنین علیه السلام خطاب به منذر بن جارود، نامهایی دیگر نیز برای این منطقه بیان می‌کنند: «یا منذر! ان للبصرة ثلاثة أسماء سوى البصرة فى الزبر الأول لا يعلمها إلا العلماء منها: الخريبة ومنها تدمر و منها

۱. شهاب الدین حموی بغدادی، پیشین، ج ۱، ص ۴۳۰.

۲. جمعی از نویسندگان، دایره المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سعید جوادی، و کامران فانی، و بهاء الدین خرمشاهی. (تهران: نشر سعید مجتبی، ۱۳۷۱)، ج ۳، ص ۲۶۲.

۳. شهاب الدین حموی بغدادی، پیشین، ج ۵، ص ۲۱۹.

۴. علی بن ابراهیم القمی، تفسیر القمی، تحقیق السید طیب الموسوی الجزائری (النجف: منشورات مکتبه الهدی، ۱۳۸۷)، ج ۲، ص ۳۳۹.

۵. جمعی از نویسندگان، دایره المعارف تشیع، پیشین، ج ۳، ص ۲۶۲.

المؤتفكة»^۱ بنابر آنچه گذشت، این شهر قبل از اسلام دارای نام هایی چون خریبه، تدمر و موتفکه بوده است. از سخن امیرالمومنین علیه السلام اینگونه بدست می آید که این مکان سه دفعه به طور کلی تخریب شده است و به همین خاطر «خریبه» نیز نام گرفته است.

۱-۲- بصره بعد از اسلام

بصره یکی از اولین مناطقی است که اعراب مسلحان برای سکونت برگزیدند. در تاریخ تأسیس این شهر اختلاف نظر وجود دارد. عده ای بسیار بر این باورند که بصره در سال چهاردهم هجری به دستور عمر و به وسیله عتبة بن غزوان ساخته شد.^۲ در نظر عده ای از مورخان، این منطقه در سال شانزدهم هجری قمری به صورت شهر ساخته شد.^۳

ولی با این حال اکثر مورخان بر این نظر هم دایستادند که بصره در سال چهاردهم هجری پایه گذاری شد و فتح آن به دست عتبة بن غزوان و به دستور عمر بن خطاب صورت گرفت.^۴ گفته شده که همراه عتبة بن غزوان، تعدادی از صحابیان و تابعیان، وارد این شهر شدند که ایست تعداد در زمان امیرمؤمنان علیه السلام به شش هزار نفر رسید.^۵ هدف اصلی عمر از تأسیس بصره، صرفاً ایجاد پادگانی برای سپاهیان نزدیک مرزهای ایران در نواحی ابله و ارض الهند بود.^۶ اما چون بصره در مسیر راه تجاری ایروان و شام قرار داشت و دارای موقعیت بازرگانی ویژه ای بود، به زودی رو به آبادانی نهاد، و جمعیت آن به سرعت رو به فزونی نهاد و مردم بدان جا روی آورده و در آنجا سکنی گزیدند؛ مخصوصاً زسانی که شنیدند دنیا بر اهل بصره رو کرده است.^۷

پیرامون ازدیاد سریع جمعیت در بصره، علت های گوناگونی ذکر شده است که برخی از آنها عبارتند از:

۱. محمد باقر مجلسی، *مخارجات انوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار* (بیروت، لبنان: مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ق)، ج ۳۲، ص ۲۵۵.
۲. أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، *تاریخ طبری* (بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، [بی تا])، ج ۳، ص ۸۹.
۳. ابی الحسن علی بن حسین بن علی مسعودی، *مروج الذهب*، تحقیق محمد یحیی عبد الحمید (بیروت: مؤسسه الرساله، الطبعة الثالثة، ۱۳۷۷)، ج ۲، ص ۳۱۹.
۴. ابن جریر طبری، *پیتمین*، ج ۳، ص ۸۹.
۵. ابن قتیبة الدینوری، عبدالله بن مسلم بن قتیبه، *الامامة والسیاسة*، تحقیق طه محمد الزینی ([بی جا]: مؤسسه الحلبي وشرکاه للنشر والتوزیع، [بی تا])، ج ۱، ص ۱۴۷.
۶. محمد بن سعد، *الطبقات الکبری* (بیروت: دار صادر، [بی تا])، ج ۷، ص ۶.
۷. ابن جریر طبری، *پیتمین*، ج ۳، ص ۹۳. فهم یهیلون الذهب والغضة فرغب الناس فی البصرة.

الف. موقعیت خاص تجاری بصره که تنها بندر تجاری آن روزگار بود که عراق را به چین و اطراف آن متصل می‌کرد؛

ب. انجام اصلاحات متعددی که توسط حاکمان آن (مخصوصاً امویان) صورت گرفت؛^۱

ج. ورود غنیمت‌های جنگی و اموالی که به عنوان جزیه گرفته می‌شد و بین سپاه مسلمانان که در بصره سکونت داشتند تقسیم می‌گردید؛^۲

د. ورود افراد متعددی به این سرزمین بعد از پیروزی مسلمانان در جنگ‌ها که متشکل بودند از اسیران، موالی، بردگان و برخی از ایرانیانی که به اسلام گرویده و همچنین قبایلی که اسلام آورده و در بصره سکنی گزیدند.^۳ مجسوع این عوامل، باعث ترقی و ازدیاد جمعیت و پیشرفت اسلام در شهر بصره بود.

۲- وضعیت اجتماعی

همانطور که بیان شد سپاهیات عتبه بن غزوان را در فتح بصره گروهی از صحابه و تابعین تشکیل می‌دادند؛ بنابراین، ساکنان اولیه بصره، همان اعراب مسلمان بودند که در فتح این شهر نقش داشتند. دینوری، برخی از قبایل بصره را بیان می‌کند که عبارتند از: بکر، تمیم، خزاعه، رباب، حنظله، ذهل و عبد قیس.^۴ بعدها قبایل و گروههایی دیگر نیز در این مکان مستقر شدند و با پیوستن دهکده‌ها به یکدیگر شکل ظاهری شهر نمایان شد. جمعیت بصره در گذشته از پنج قبیله مهم تشکیل می‌شد که عبارت بودند از:

۱. بکر بن وائل که در مرکز و بخش شرقی بصره و در دو محل البطنیه و الزابوقه زندگی می‌کردند.^۵

۱. عید الرحمن بن محمد بن خلدون، *دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر*، تحقیق خلیل شحاده (بیروت: دار الفکر، الطبعة الثانیة، ۱۹۸۸/۱۴۰۸)، ج ۳، ص ۱۱.

۲. ابن جریر طبری، پیشین، ج ۳، ص ۳۹۵.

۳. احمد بن یحیی البلاذری، پیشین، ج ۴، ص ۴۶۱.

۴. ایو حنیفه احمد بن داود الدینوری، *الأخبار الطوال*، تحقیق عبد المنعم عامر مراجعه جمال الدین شبال (قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۸ ش)، ص ۱۷۲ - ۱۷۱.

۵. شمه‌اب الدین حموی بغدادی، پیشین، ج ۱، ص ۴۳۱؛ عمر رضا کحالة، *معجم قبائل العرب القديمة و الحدیثة* (بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة السابعة، ۱۹۹۴/۱۴۱۴)، ج ۱، ص ۹۴.